



ویژه‌نامه قدس
به‌مناسبت سالگرد
رحلت بنیان‌گذار
انقلاب اسلامی

۷

امام رحمته الله واحيای فقه حکومتی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد رهدار



فقه شیعه پیوسته در حال تحول است. با پیروزی انقلاب اسلامی و حضور فقها، بسیاری از پرسش‌ها در جامعه اسلامی به دستگاه فقه عرضه شد که رویکردهای فقهی با توجه به مبانی فکری و اجتهادی خود درصدد پاسخ به آن برآمدند. فقه حکومتی، احکامی است که حاکم جامعه بر مبنای ضوابط پیش‌بینی شده شرعی و بر طبق مصالح عمومی مسلمین برای حفظ سلامت جامعه و تنظیم امور و برقراری روابط صحیح بین سازمان‌ها در مسائل فرهنگی، تعلیماتی، مالیاتی و غیره مقرر می‌دارد.

در این بین امام خمینی(ره) با رویکرد فقه حکومتی خود موجب تدوین فقهی نوین با نگرشی اجتماعی شد که معتقد به توانمندی فقه اسلامی در اداره جامعه است و تنها راه تحقق شریعت در حوزه فردی و اجتماعی را تأسیس حکومت اسلامی می‌داند. از نظر ایشان همه آنچه در حوزه حکومت از اختیارات و وظایف پیامبر(ص) و امامان(ع) پس از او محسوب می‌شود، برای فقیه جامع‌الشرایط نیز معتبر است.

امام خمینی(ره) با تلاش بی‌مانند خود، ضمن روشننگری مشروعیت حکومت اسلامی و ثابت کردن اینکه حقیقت دین جز با اجرای حکومت دینی غیر قابل نمود و ظهور نیست، به دنبال احیای فقه حکومتی در ایران بودند.

امام(ره) معتقد بودند فقه موجود برای ادراک مجتمع انسانی کفایت نمی‌کند و فقط دایر بر مسائل و رفتارهای شرعی مکلفان است. امروز یک‌سری از احکام ما متوجه مسائل حکومتی است و این احکام گاهی از فقه موجود قابل استنباط نیستند، بنابراین نیازمند فقه اسلامی هستیم که در بر گیرنده تمام احکام شرعی و حکومتی باشد.

امام خمینی(ره) حکومت را فلسفه عملی کل فقه می‌دانند، فقه حکومتی امام ضد فقه موجود نیست بلکه مبتنی و فراتر از فقه موجود است. خوشبختانه پس از امام، توجه به این نوع احکام گسترش یافت و تا امروز نیز این نگرش در بین علما و اندیشمندان ادامه دارد.

انسان، موجودی صاحب عقل است که فراورده‌های عقلانی او، در دو ساحت نظر و عمل است. امام خمینی(ره) از جمله کسانی است که به این مبحث پرداخته است.

در تجربه زعامت فقیه امام یک مفهوم در خود آگاه قرار دارد که این مفهوم قبل از امام به صورت موردی استفاده می‌شد اما هیچ‌گاه به عنوان مفهوم کلیدی مورد تأمل فقه قرار نگرفت.

بر پایه این مسئله یک زمان و مکان بعد اجتهاد قرار گرفت و آن هم حفظ نظام مقدم بر احکام دیگر مانند نماز، روزه و حج است. در فقه امام مسئله مصلحت برای تأمین مجموعه احکامی که می‌تواند نظام اسلامی را دوام‌بخش کند این مطلب به کار گرفته شد تا احکام متناسب سیاسی که حفظ و اوجب واجبات است توجیه شود.

که می‌خواستند مجمع تشخیص را راه بیندازند، آنجا معیار این مصلحت را معلوم کرده است که این مصلحت مثلاً اموال مسئولان نیست که الان قانونش کردند و در همین مجمع تصویب کردند که اموال مسئولان محرمانه باشد. به نظرم این آن چیزی نیست که امام گفته بود، مراقبش باشید. «مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال ببرد و اسلام آمریکایی مستکبرین و متکبرین که با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخلی و خارجی بر آنان پیروز گرداند».

■ مصلحت پابرهنگان

پس آنجایی که تو باید به آن نگاه کنی، اسلام پابرهنگان است. این پابرهنگان و مصلحت این‌ها، حتی می‌توان حج را برایش به طور موقت تعطیل کرد. مفسده این است که اسلام آمریکایی مرفهین بالا بیاید و مصلحت این است که مستضعفین را در نظر بگیرد. دو مثال عینی از ولایت مطلقه‌ای که امام به کار برد بزنم. انقلاب شد و در حاشیه شهر تهران و حاشیه شهرهای بزرگ بیغول‌نشین بود. حلبی‌آباد بود. اولین کار انقلاب این بود که برای این‌ها مسکن بسازد.

مشکل اصلی مسکن زمینش است. زمین از کجا بیاوریم؟ زمین‌هایی مال مردم بود و مال سلطنت هم نبود، یک کشاورزی ۲ هزار متر زمین داشت. اینجا مجلس شورای اسلامی آمد یک طرحی را تصویب کرد که مثلاً تا هزار متر برای خودشان باشد. نامه از مرجعیت قم -مرجعیت خوب قم- نوشته شد که آقا شما چرا می‌خواهید مردم را به فروش وادار کنید، «الناس مسلطون علی اموالهم» همان‌طور که هزار مترش مال اوست، ۲ هزار مترش نیز مال خود اوست. اگر نخواست، نباید مجبور شود. یکی از جاهایی که ولایت مطلقه ورود کرد و گفت اینجا باید این کار را بکنیم وگرنه چطور می‌خواهیم مستضعفین را خانه‌دار کنیم. کیست که با این ولایت فقیه مشکلی داشته باشد؟! این علیه مردم و جمهوریت مردم است؟! عامه‌ای که ۸۰ درصد آن‌ها فقیر بودند را خانه‌دار کرد.

یک نمونه دیگر که امام ورود کرد در نظام کارگر و کارفرما بود. در احکام اولیه ما عقد اجاره برقرار است. باید یک تجارت هم‌ترازی باشد تا کارگر و کارفرما راضی باشند ولی وقتی ۴ تا ۶ میلیون لشکر بیکار داری، ۱۱ تا ۱۳ میلیون کارگر داری که کار می‌کنند، این کسوت کارگر، کسوت عرضه در واقع می‌تواند تقاضا را کم کند و در حق این کارگر اجحاف کند. امام اینجا گفت که دولت نیز باید اینجا بنشیند و کمترین چیز را معلوم کند که به ضرر کارگر نشود. پس می‌بینید که ولایت مطلقه در واقع رعایت مصلحت‌های عامه مردم است که آن هم بیشتر مصلحت‌های پابرهنگان است.

یک مثال عینی بزنم که بحث امروز جامعه ما هم هست. به حسب برخی محاسبات، یک درصد تورم اضافی، ۱۵ هزار میلیارد تومان رانت برای آن‌هایی که دارایی دارند درست می‌کند. کسی ماشین اضافه دارد، خانه اضافه دارد، رانتی برای این‌ها تولید می‌شود. از آن طرف، اگر سیاستی ۱۰ درصد تورم برای جامعه درست کند، ۲ درصد نرخ فقر را افزایش می‌دهد. در آمارهای ما یعنی ۲ میلیون نفر را فقیر می‌کند.

اینجا از آن جاهایی است که باید مراقبت کنیم. جانب آن رانت را بگیریم که به دست کسانی است که مالکیتشان بیشتر است، اموالشان بیشتر است یا حواسمان باشد سیاستی درست نکنیم که تورم درست کند و یک عده‌ای را فقیر کند.

اینجا از جاهایی است که ولایت ورود می‌کند و باید ورود کند. این آن درکی است که امام بزرگوار از ولایت مطلقه فقیه قرار می‌دهد. پس ولایت مطلقه جای مشارکت مردم را نمی‌گیرد، جای مردم نمی‌نشیند و تصمیم بگیرد، بلکه جاهایی که یک گرهی پیش پای مردم و عامه مردم و به‌خصوص زمین افتادگان و پابرهنگان است، قرار می‌گیرد حتی اگر آن گره موقتاً یکی از احکام شرعی باشد، ولایت مطلقه می‌آید و آن را برمی‌دارد. این درک امام بزرگوار از ولایت مطلقه فقیه است که کاملاً با جمهوریت و مردم‌سالاری سازگار است.

**ولایت مطلقه جای
مشارکت مردم را
نمی‌گیرد، جای مردم
نمی‌نشیند و تصمیم
بگیرد، بلکه جاهایی
که یک گرهی پیش
پای مردم و عامه
مردم و به‌خصوص
زمین‌افتادگان و
پابرهنگان است، قرار
می‌گیرد حتی اگر
آن گره موقتاً یکی از
احکام شرعی باشد،
ولایت مطلقه می‌آید و
آن را برمی‌دارد.**